فهرست مطالب:

اشاره و مقدمه بحث: 2

3. قاعده تضاعف مسئولیت عالمان 2

4. قاعده تضاعف تکلیف برای امراء و حاکمان 2

5. قاعده تضاعف تکلیف برای اسوه 3

6. قاعده اشتداد تکلیف برای افراد منسوب به اولیاء دین 3

جمع‌بندی قواعد عامهم 3

روش‌های بیان تضاعف تکلیف 4

قاعده تضاعف تکلیف در روایات 4

انواع عوامل اشتداد تکلیف 5

7. قاعده مرزبانی دین(مرابطون) 5

اظهار و کتمان علم 6

موضوع بحث آینده 7

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع:** امر به معروف و نهی از منکر/ وظایف نهادها (علما)

**اشاره و مقدمه بحث:**

بحث ما پیرامون «امر به معرف و نهی از منکر» در سطح عالمان بود یعنی علاوه بر آنچه در باب امر و نهی همگانی، حکومت و خانواده بیان شد، در سطح عالمان نیز همین بحث مطرح است.

برای اثبات اینکه عالمان به شکل خاص و مؤکد در «امر به معرف و نهی از منکر» مورد خطاب هستند به ادله‌ای لفظی قرآنی و روایی تمسک شد. قاعده عمومی تضعف و تشدّد تکالیف برای علماء نیز بیان شد.

**3. قاعده تضاعف مسئولیت عالمان**

قاعده فقهی «تضاعف و تاکّد مسئولیت‌های عالمان» از اهمیت ویژه برخوردار است لذا هشت نکته در مورد آن بیان شد. این قاعده شامل احکام استحبابی و غیر الزامی می‌شود.

می‌خواهیم از همین‌جا (گریز بزنیم و قاعده را تکثیر کنیم به چند قاعده مستقل). مطلبی را در چند سخنرانی و به صورت مکرر بیان کرده‌ام با عنوان «عواملی که موجب اشتداد عقاب گناه» می‌شود؛ قبلاً به حدود 15 عامل اشاره کردیم. آن بحث را به شکل عمومی‌تر می‌توان مطرح کرد و تعمیم داد و « اینکه قاعده عامه داریم که عالمان دین در تکالیف دیگران شریک هستند و آن تکالیف برای آنان تضعف دارد. این قاعده عامه تضاعف و اشتداد تکالیف و مسئولیت‌ها، برای چند گروه دیگر (غیر از عالمان) قابل طرح و بررسی است. برای حکومت و صاحبان مناصب اجتماعی. در این مورد باید کار کرد و روایاتش را در آورد. برای عالمان، روایات باب بندی و منظم وجود داشت ولی برای صاحبان مناصب و قدرت باید کار شود؛ آنان نیز دارای مسئولیت دوبله و مضاعف هستند.

**4. قاعده تضاعف تکلیف برای امراء و حاکمان**

برای حکومت و صاحبان مناصب اجتماعی. در این مورد باید کار کرد و روایاتش را در آورد. برای عالمان، روایات باب بندی و منظم وجود داشت ولی برای صاحبان مناصب و قدرت باید کار شود؛ آنان نیز دارای مسئولیت دوبله و مضاعف هستند.

قاعده دیگر این است که امراء و حاکمان و صاحبان مناصب اجتماعی دارای تکالیف مضاعف هستند زیرا جایگاه آنان با بقیه متفاوت است. با توجه به نکات هشتگانه که در مورد عالمان بیان شد، برخی از همان نکات برای حاکمان و مأموران حکومتی قابل تطبیق است.

**5. قاعده تضاعف تکلیف برای اسوه**

قاعده دیگر مستقل که داریم عبارت است از تضعف و تعدد خطاب برای کسانی که کار آن‌ها در دیگران اثر دارد و الگو هستند. الگو از حیث عالم بودن، والد بودن، نفوذ اجتماعی و ... موقعیت‌هایی که در دیگران تأثیر می‌گذارد و مردم از آنان الگو می‌گیرند؛ این تأثیرگذاری و اسوه بودن موجب تضعف خطاب می‌شود.

**6. قاعده اشتداد تکلیف برای افراد منسوب به اولیاء دین**

قاعده چهارم این است که کسانی که منتسب به دستگاه دین هستند، مانند آنچه در مورد همسران پیامبر اکرم (ص) وارد شده است که «**يا نِساءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّساءِ**»[[1]](#footnote-1) و لو که رابطه خوبی و نژادی داشته باشند مانند همسر و فرزند و ... تکلیف مضاعف دارند.

البته ممکن است این قاعده را به قاعده سوم و اینکه آنان جنبه‌ الگویی دارند، ملحق شود و به آن قاعده برگردد ولی به نظر می‌رسد که یک قاعده مستقل باشد زیرا خویشاوندی و رفت و آمد و ... موجب می‌شود مسئولیت انسان بیشتر شود.

**جمع‌بندی قواعد عامه**

بنابراین این چهار قاعده قابل دفاع است:

تضاعف تکلیف و اشتداد مسئولیت عالمان؛

تضاعف تکلیف و اشتداد مسئولیت امراء و حاکمان و صاحبان مناصب اجتماعی؛

تضاعف تکلیف و اشتداد مسئولیت افراد اسوه، الگو و اثرگذار؛

تضاعف تکلیف و اشتداد مسئولیت افراد منتسب به اولیاء دین.

این چهار دسته به صورت مضاعف مخاطب خطابات شرعی می‌شوند. همه تکالیف عموم مردم برای این افراد مضاعف است.

**روش‌های بیان تضاعف تکلیف**

نکته دیگر این است که شکل بیان تضعف و تأکّد تکلیف به یکی از دو صورت است:

1. امر و نهی به صورت عمومی وارد شده باشد و سپس به افراد خاص مثلاً عالمان به صورت جداگانه خطاب و امر و نهی شود.

2. تکلیف به صورت کلی و عام وارد شود و سپس به گروه خاص مثلاً عالمان امر و نهی شود که تکالیف همگانی، برای شما مضاعف است.

**قاعده تضاعف تکلیف در روایات**

در بحث اثرگذاری و موج عمل که قاعده سوم بود، بحث اشتداد ثواب و عقاب مطرح است، از قول امام باقی (ع) روایتی نقل شده است که مؤید قاعده است. وسایل الشیعه در بحث از اذان نقل کرده است:

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: «**لَا يُجْزِئُكُمْ مِنَ الْأَذَانِ إِلَّا مَا أَسْمَعْتَ نَفْسَكَ أَوْ فَهِمْتَهُ وَ كُلَّمَا اشْتَدَّ صَوْتُكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُجْهِدَ نَفْسَكَ كَانَ‏ مَنْ‏ يَسْمَعُ‏ أَكْثَرَ وَ كَانَ أَجْرُكَ فِي ذَلِكَ أَعْظَمَ**»[[2]](#footnote-2).

فرمود هرچه مردم و شنوندگان صدای مؤذن بیشتر شود، خداوند به میزان موج صدای مؤذن به وی اجر می‌دهد. این روایت شاید معتبر هم باشد.

البته این روایت و امثال آن را می‌توان با تنقیح مناط به سایر موضوعات تسری داد. علاوه بر آن روایات دیگری هم هست که اگر کسی «سنت گذاری» نماید «**مَنْ سَنَ‏ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا**»[[3]](#footnote-3) به پایش نوشته می‌شود.

نکته دیگر این است که در غالب موارد ثواب و عقاب مضاعف می‌شود و بین ثواب و گناه تفاوتی نیست، البته ممکن است در موارد خاص تفاوت باشد، اما در غالب موارد تفاوت نیست.

در امر به معروف و نهی از منکر حکومتی هم همین قاعده تضاعف قابل تطبیق و اعمال است.

ضمن اینکه توجه کنید این قاعده در «امر به معروف و نهی از منکر» جاری کردیم، که عام است همه تکالیف را شامل می‌شود؛ این قاعده در ذیل دو قاعده «هدایت و تربیت» و «ارشاد جاهل» مطرح می‌شود.

**انواع عوامل اشتداد تکلیف**

پس عوامل مؤثر در اشتداد مسئولیت (ثواب و عقاب) سه حالت دارد:

1) عوامل مشترک که در اشتداد ثواب و عقاب تأثیرگذار است.

2) عواملی که موجب فقط اشتداد عقاب می‌شود.

3) عواملی که فقط موجب اشتداد ثواب می‌شود.

این بحث یک بحث اخلاقی و فقهی است و جای کار زیاد دارد. بخش سوم (اشتداد ثواب) در مستحبات مصداق دارد، شاید در واجبات هم مصداق داشته باشد.

نکته دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد این است؛ اینکه گفته شد عواملی موجب اشتداد عقاب می‌شود، شامل انجام گناه و ترک واجب می‌شود. بنابراین عقاب اعم از «فعل حرام» و «ترک واجب» است و هر دو عقاب مضاعف می‌شود همان‌گونه که در انجام تکلیف، ثواب مضاعف می‌شود.

با این بحث طبعاً ابوابی در قواعد عامه باز می‌شود و همین قاعده به سه فصل جداگانه قابل تقسیم است.

**7. قاعده مرزبانی دین(مرابطون)**

قاعده دیگر که خطاب به علماء است و یکی از مصادیق آن امر به معروف و نهی از منکر است. این قاعده، قاعده هدایت همگانی و دعوت مردم از ضلالت به هدایت است. تعبیرات روایی «المرابطون»، «علماء امتی مرابطون» است.

تفسير الإمام عليه‌السلام ج، الإحتجاج بِالْإِسْنَادِ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ ع قَالَ: «**قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ ع‏ عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ‏ بِالثَّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسُ وَ عَفَارِيتُهُ يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ النَّوَاصِبُ أَلَا فَمَنِ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ أَلْفِ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَدْيَانِ مُحِبِّينَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَبْدَانِهِمْ**.»[[4]](#footnote-4)

**اظهار و کتمان علم**

برخی از روایاتی که با این تعبیر وارد شده، معتبر می‌باشد که باید با ضلالت مبارزه کرد و مرزبانی اعتقادی را نمود. آیات و روایات دال بر حرمت «کتمان علم»[[5]](#footnote-5)، روایات لزوم «اظهار علم» و روایات «دعوت به حق» و ... این‌ها مجموعه خطاباتی است که بعضی از آن‌ها متوجه عالمان هست؛ و از طرفی امر به معروف و نهی از منکر یکی از مصداق‌های محتوای روایات مذکور می‌باشد. وارد این ادله عامه نمی‌شویم. بیشتر آن روایات و ادله را در سال‌های قبل بحث کردیم مثلاً راجع به «کتمان علم» در آیات و روایات بحث کردیم و همین‌طور در بحث از دعوت الی الله. البته بحث «علماء مرابطون» را بحث نکرده‌ایم. مضمون روایات این است که علماء باید جلو نفوذ شیاطین را بگیرند. این مفهوم شامل امر به معروف و نهی از منکر می‌شود. برخی از روایات در احتجاج آمده است.

بعد از فراغ از ادله، در ضمن این قاعده چند فرع را در ذیل امر به معروف و نهی از منکر عرض کنیم و این بحث را ببندیم. تاکنون «آمران به معروف و ناهیان از منکر به چهار طبقه و به عنوان چهار عامل طرح و بحث شد، حال جای سؤال وجود دارد که مأمور و منهی نیز به همان چهار سطح و طبقه تقسیم می‌شود یا نه؟

**موضوع بحث آینده**

ما می‌خواستیم پرونده بحث امر به معروف و نهی از منکر را تا قبل از تعطیلات تابستانی ببندیم اما با توجه به مباحث باقی‌مانده، ممکن نیست لذا در ادامه به دو بحث خواهیم پرداخت:

1. مأمور و منهی که به چهار دسته تقسیم می‌شود: 1) مأمور و منهی عمومی و همگانی، 2) مأمور و منهی که حاکم باشد، 3) مأمور و منهی که عالم دین باشد، 4) مأمور و منهی در خانواده.

2. اسالیب و شیوه‌های اجرایی امر و نهی.

1. . احزاب/32: يا نِساءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّساءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذي في‏ قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً. [↑](#footnote-ref-1)
2. . وسائل الشيعة، ج‏5، ص: 410؛ من لا يحضره الفقيه، ج‏1، ص: 284 [↑](#footnote-ref-2)
3. . وسائل الشيعة، ج‏15، ص: 25؛ الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏5، ص: 10: ... وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ سَنَ‏ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْ‏ء [↑](#footnote-ref-3)
4. . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج‏2، ص: 5 [↑](#footnote-ref-4)
5. . بقره/ 159: إِنَّ الَّذينَ يَكْتُمُونَ ما أَنْزَلْنا مِنَ الْبَيِّناتِ وَ الْهُدى‏ مِنْ بَعْدِ ما بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتابِ أُولئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللاَّعِنُونَ.

بقره/ 174: إِنَّ الَّذينَ يَكْتُمُونَ ما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتابِ وَ يَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَناً قَليلاً أُولئِكَ ما يَأْكُلُونَ في‏ بُطُونِهِمْ إِلاَّ النَّارَ وَ لا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَ لا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ. [↑](#footnote-ref-5)